اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۰۰)

رشد معنوی (۴)

نماز و سبک زندگی (۲)

در قسمت قبل گفتیم که نماز یک سیستم مبتنی بر وقت و زمان است. صبر هم مبتنی بر زمان است، زیرا بدون در نظر گرفتن زمان، صبر بی معناست. بنابراین صبر و نماز دو جفتند که لازم و ملزوم همدیگر هستند و در آیتم زمان به همدیگر ربط پیدا میکنند. صبر و نماز دو وسیله مهم هستند در ارتقاء معنوی و به همین خاطر خدای رحمان در قرآن می فرمایند که جهت پیشبرد اموراتتان از صبر و نماز یاری بجوئید.

آیه 2:45

وَٱسْتَعِينُواْ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى ٱلْخَٰشِعِينَ

و از شکیبایی و نماز یاری جویید، و نماز؛ جز بر فروتنان، دشوار و گران است.

آیه 2:153

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱسْتَعِينُواْ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری بجویید، که همانا خدا با شکیبایان است.

صبر و نماز دو جفتند که لازم و ملزوم همدیگر هستند. صبر یعنی تپه را رها نکنید، یعنی نقاط حساس را نباید رها کرد و بر اصول خود پایبند باشید و در جاده مستقیم باشید و در آن راه مقاومت کنید و جوگیر نشوید. اما الصَّلَوٰةِ (نماز) **یعنی مانیفیست و برنامه؛ یعنی مبدا و مقصد؛ یعنی رعایت زمان بندی های رحمانی.**

هر سیستم و استایل زندگی که این دو را با هم نداشته باشد، ناقص است. بعضی ورزشهای رزمی در تمرینات خود صبر دارند اما نماز ندارند و همین باعث ناقص شدن آنها میشود. خدای رحمان در قرآن بارها عبارات صبر و زیبایی را با هم آورده است (صَبْرٌ جَمِيلٌ). این ثابت میکند که راز زیبایی انسان

در رعایت صبر و نماز است. زیرا این دو مبتنی بر زمان هستند. شیاطین زشت هستند و دلیل اصلی آن عدم وجود صبر در میان آنهاست.

بُعد زمان برای شیاطین مثل انسانها نیست. آنها براحتی در چند ثانیه مسافتهای طولانی را می روند و بر زمان ما تسلطهایی دارند. به همین خاطر تنها راه مقابله با آنها، بکارگیری صبر و نماز و تاکید روی این دو است. زیرا فقط بوسیله صبر و نماز میتوان زمان را به درستی و سلامت طی کرد و از آن محافظت کرد تا از حیله های شیطان نجات یافت. ما از خاک آفریده شده ایم و شیاطین از آتش آفریده شده اند. آنها لایه خاکی را ندارند. به همین خاطر صبر و نماز نقطه قوت انسانهاست نسبت به اجنه و شیاطین. صبر و نماز ابزارهایی هستند جهت بهره برداری از لایه خاکی. به همین خاطر لزوم استفاده از این دو، قطعی و بسیار ضروری است و بدون آن دو نمی توان ره درست را طی کرد.

انسان از نظر زمان ضعیف است و به همین خاطر فکر میکند که راز موفقیت او در عجله است. طبق فرمایش خدا، انسان از عجله درست شده است و همین آزمایش اوست. خدای رحمان زندگی دنیوی را هم العاجله (زودگذر) می نامد که از ریشه همان عجله است. تنها راه علاج پاس کردن دنیا با موفقیت، صبر و نماز است.

آیه 75:20

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ

هرگز چنین نیست بلکه شما دنیا(ی زودگذر) را دوست دارید.

خدای رحمان زندگی دنیوی را العاجله و زودگذر می نامد، زیرا میخواهند به ما بفهمانند که فقط با کنترل زمان میتوان واقعیت و ماهیت زندگی دنیوی را فهمید. صبر و نماز دو آیتم هستند که ماهیت زمان را برای ما مشخص میکنند و آن را قابل فهم میکنند و زمان را برای ما قابل کنترل میکنند. کسی که این دو را نداشته باشد، فرصتش را از دست میدهد و جوری زندگی میکند که انگار امروزش همان دیروز است. در حالی که آدمی باید از نظر معنوی امروزش با دیروز فرق داشته باشد و این همان رشد معنوی است. کسانی که صبر و نماز بکار نگیرند، زندگیشان خسته کننده است و تنبلی بر زندگیشان سایه می اندازد.

بعضی ایدئولوژیها، جلسات و جشنها و مراسمهایی دارند که مردم در آن اوقات آزاد باشند و هر کاری که خواستند انجام دهند؛ انگار در بقیه روزها آزاد نیستند و برده اند! اینها گرمی های الکی و بی خودی هستند که هیچ منطقی پشتشان نیست. اما نماز طوری زمان و وقت ما را تنظیم میکند که از

اوهام و شهوات و خیالات و زنجیرهای دنیوی آزاد باشیم. اگر صبر و نماز بجا نیاوریم، در تارهای عنکبوت دنیا گیر می افتیم.

آدمی از نظر سرعت زمانی، ضعیف و کند است و از کوچکترین حشرات هم کندتر است. اگر مگسی چیزی از او برباید، قادر به بازپس گیری آن نیست. اما راه حل این موضوع، این نیست که مثل جن شویم و سعی کنیم قدرتهای طی الارض و غیره پیدا کنیم؛ همانطور که خیلی ها اینکار را کردند و دنبال این توهمات افتادند و تمام وقت و زندگی خود را تلف کردند. بلکه راه حل قرآنی این است که از صبر و نماز کمک گیریم تا بتوانیم زمان را به درستی طی و مدیریت کنیم.

فرضیه کیسه بوکس برای تخلیه روانی بی معناست. بعضی ها میگویند که برای تخلیه روانی، یک کیسه بوکس را بزنید تا خشم و عصبانیت خود را روی آن خالی کنید و تخلیه شوید. اما این دقیقا مخالف مفهوم صبر و بکارگیری زمان است. مثلا حسادت نوعی عجله است در قضاوت دیگران و این مخالف مفهوم صبر است. حسادت نوعی کیسه بوکس است. فرضیه کیسه بوکس باعث جریان یافتن آتش خشم و عصبانیت و حسادت در روان و بدن ما میشود و این در واقع به معنای تائید آن هم هست. وقتی یکی از نزدیکان می میرد، باید صبر پیشه کنید و اگر صبر پیشه نکنید، باید خودزنی کنید. در مقابل سخنان نادانان، باید صبور بود و اگر صبور نباشید، باید با او مجادله کنید و کار

به ناسزا گفتن میکشد. همانطور که می بینید، بکارنبردن صبر، باعث ایجاد انواع صفات شرّ در آدمی خواهد شد.

صبر یعنی هر اینپوتی را به اوت پوت تبدیل نکنید و لزومی هم به این کار نیست. خیلی بی معنی است که آدمی هر چیزی که می بیند و یا میشنود را از روان خود عبور دهد و باعث درگیر و بیمار شدن روان خود شود. مثل این است که هر چی دم دستت بود، بخورید. هر آنچه را که توان هضم و تجزیه و تحلیلش را ندارید، از روان خود عبور ندهید که ممکن است باعث بروز صفات زشت و شیطانی در شما شود. به همین خاطر است که خدا به مومنان دستور میدهد که چشمان و بصیرت خویش را بپوشانند و هر چیزی را نگاه نکنند و تقوا به خرج دهند. تقوا در همین معناست، یعنی از خیلی از ورودی ها پرهیز کنید و به طرف آن نروید، تا که با مشکلات ناشی از آن درگیر نشوید.

در جهنم، صبر و جزع هیچکدام موثر نیستند. صبر مخالف جزع (بیقراری و عجله) است. در دنیا می توانیم از صبر استفاده کنیم ولی در جهنم، صبر بی فایده است و جزع هم بی فایده است. نماز و صبر دو جفتند که با همدیگر نیرویشان صد برابر است. در جهنم شرایط سختی برقرار است و نماز در آنجا نیست و در نتیجه صبر در آن شرایط بیفایده و بی تاثیر است.

آیه 14:21

وَبَرَزُواْ لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ ۚ قَالُواْ لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ ۖ **سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَآ أَمْ صَبَرْنَا** مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ

و (در روز قیامت) همگی در پیشگاه الله حاضر (و آشکار) شوند، پس (در این هنگام) ضعیفان به مستکبران می‌گویند: «همانا ما پیرو شما بودیم، پس آیا می‌توانید چیزی از عذاب الله را از ما دفع کنید؟». (آن‌ها) گویند: «اگر الله ما را هدایت کرده بود، ما (نیز) شما را هدایت می‌کردیم، چه بی‌تابی کنیم و چه صبر نماییم، برای ما یکسان است، (هیچ) گریزگاهی برای ما نیست».

آرامش واقعی زمانی حاصل می‌شود که انسان بتواند نیازهای واقعی‌اش را بشناسد، اوقات خدادادی و رحمانی را بشناسد و در چارچوب همان اوقات، عمل کند. این نه یک برنامه ریزی، بلکه یک قدم واقعی به سوی سلامت و رشد معنوی است. زمستان شبها طولانی تر است؛ این یعنی اینکه میتوان اوقات بیشتری را به عبادت در زمستان اختصاص داد. یا اینکه ما در زمستان به خواب بیشتری نیاز داریم و به آرامش و استراحت بیشتری نیاز داریم. در بهار جنب و جوش طبیعت بیشتر میشود و انگار همه از خواب بیدار میشوند.

ما هم باید در بهار جنب و جوش و تلاش و کوشش بیشتری داشته باشیم. آدمی تا وقتی که جوان است، لذت محور است ؛ اما بمرور باید معنویت خود را افزایش داده و حکمت محور شود. افراد آخر بهار، بخاری را خاموش میکنند و چند روز بعد کولر روشن میکنند و به این طریق تغییرات فصلی و زمانی را برای خود بی اثر میکنند و خود را از اثرات زمانی طبیعت رحمانی محروم میکنند. ساقه گندم براثر وزش باد و هوا و گرما و سرما محکم میشود و میتواند سرپا بایستد. ساقه گندمی که اینها بهش نخورد، اصلا نمی تواند سرپا بایستد و حتی شاید رشد نکند. انسان اگر این تغییرات فصلی و زمانبندی ها را برای خود بی اثر کند، وارد فاز تنبلی میشود و گلخانه ای بار میاید. تنبلی و گلخانه ای بار آمدن مهمترین علت هجوم بیماریهاست. انسانی که طبق زمان بندی های خدای رحمان عمل نکند، رشد معنوی نخواهد داشت و البته شاید یک زندگی نباتی داشته باشد، ولی از نظر معنوی هیچوقت بالغ نمیشود.

آیه 48:29

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبۡتَغُونَ فَضۡلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنًاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ

يُعْجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلْكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًۢا

محمد رسول خداست، و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت گیر (و شدید) و در میان خود مهربانند، آن‌ها را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از الله فضل و خشنودی می‌طلبند، نشانهٔ (درستکاری) آن‌ها در چهره‌هایشان از اثر سجده (نمایان) است. این توصیف آن‌ها در تورات است، و توصیف آن‌ها در انجیل همانند زراعتی که جوانه بزند، سپس آن را تقویت کرد، تا محکم گردیده، و بر پای خودایستاده است، و کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد، تا از (دیدن) آن‌ها کافران را به خشم آورد، الله به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند وعدهٔ آمرزش و پاداش عظیمی داده‌است.

آیه قرآن میفرماید که محمد رسول خداست و کسانی که پیرو واقعی اویند، مثال آنها در انجیل مثل سنبل و گیاهی است که ابتدا جوانه می زند، سپس قوی تر میشود، تا اینکه محکم گردیده، و سپس بر پای خود می ایستد. جالب است طبق پیش بینی قرآن، این مَثَل در انجیل هم آمده است:

انجیل متی سوره ۱۳ آیات ۳۱و۳۲:

«مَثَلِ مَلَکوتِ آسمان، شبیه به دانهٔ خردل است که یک مرد آن را گرفت و در مزرعه‌اش کاشت. این دانه کوچک‌ترین گیاهان بود، اما وقتی رشد کرد، به یک درخت بزرگ تبدیل شد، و پرندگان آسمان در شاخه‌هایش سرایش کردند.»

این مَثل، نشانه رشد و قدرت مؤمنان است که نامحسوس پرورش می یابند و به قدرت عظیمی تبدیل میشوند. دانه خردل جزو کوچکترین دانه هاست ولی وقتی رشد کند، از بوته های دیگر بزرگتر میشود، طوریکه پرندگان روی شاخه های آن می روند و آواز سر میدهند. این نشان از قدرت نظام رحمانی است که از انسانی که شیطان او را حقیر می شمرد و از خاک آفریده شدن او را مسخره میکرد، یک موجود بهشتی میسازد که شایسته زندگی در ملکوت و پادشاهی خداست. وقتی درست و صحیح در روی زمین خاکی زندگی کنیم، چنان رشد می یابیم که شایسته بهشت شویم.

اگر آدمی طبق زمان بندی های خدای رحمان عمل نکند، بعد از مدتی به خصومت با نظام رحمانی خواهد رسید و حتی ممکن است که نقش خدا را در خیلی از قضایا منکر شود و کسان دیگری را جایگزین آن نقشها کند. به این طریق ناخواسته و نهانی خدایان دیگری بر می گزیند.

خدای رحمان با خلق انسان خاکی، مفهوم صبر و نماز را برای او قرار داد تا مفاهیم معنوی عالم بالاتر را برای او ساده سازی و قابل درک کند. صبر و نماز حرکات آهسته یک معنویت بزرگتر هستند و بطور آهسته و در قالب زندگی خاکی قرار داده شده اند، تا ما بهتر آن را درک کنیم و طبق آن عمل کنیم. خدای رحمان بوسیله صبر و نماز، معنویتهای عالم بالاتر را برای ما تشریح و هجی میکنند، تا دیگر بهانه ای نماند.

خدا دستور می فرماید که صبر کنید (اصبروا) و همچنین صبر را به کارهای دیگران هم تزریق کنید(صابروا) و یا با دیگران در صبر همکاری و مشارکت کنید. از همه ابعاد باید صبر بکار گیریم و این به سود خود ماست.

آیه 3:200

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ **ٱصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ** وَرَابِطُواْ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید، و دیگران را به صبر و شکیبایی فرا خوانید (و پایداری کنید) و مرزها را نگهبانی کنید، و از الله بترسید، شاید رستگار شوید.

نماز پیوستگی روانی ایجاد شده در انسان را قطع میکند و این مهمترین فایده نماز است. پیوستگی روانی، به معنای تمرکز شدید و ممتد ذهن بر یک هدف، یک خواسته یا یک محرک یا یک آرزوست. نماز این نوع پیوستگی را قطع میکند و این مهمترین عامل سلامتی انسان است. انسان گاهی برای مدت طولانی روی یک موضوع متمرکز می ماند و در این جا به یک قطع کننده لازم است تا این محرک‌ها را نادیده بگیرد و نگذارد این افکار و محرکها ذهن او را کنترل کنند.

اما ممکن است کسی بپرسد که این پیوستگی روانی چه مشکلی برای ما ایجاد میکنند؟

مثلا وقتی یک فرد بر روی یک هدف دنیوی (ثروت، مقام، زن، مرد، شهوت، قدرت و ...) متمرکز می‌شود، اگر این تمرکز مداوم و بدون وقفه باشد، به مرور تبدیل به یک عادت روانی می‌شود. ذهن مدام درگیر آن هدف است و هر بار که به آن فکر می‌کند، مسیرهای عصبی مربوط به آن تقویت می‌شود. این تکرار و تمرکز، نوعی وابستگی ایجاد می‌کند. فرد احساس می‌کند بدون آن هدف، زندگی اش معنا ندارد یا ناقص است. در واقع فرد بدون آن که خود بداند به صفات زشت حرص و طمع میرسد. این نوع پیوستگی به تدریج زیادتر

و افراطی تر میشود، و فرد را از توجه به نیازهای دیگران و خود، از توجه به معنویت و از یاد خدا غافل می‌کند.

روشهای روانشناسی جدید به اسم جذب، مدیتیشن و ... سعی در ورود افراد به این نوع پیوستگی روانی میکنند. حتی آنها به پیروان خود توصیه میکنند که جملات مشخصی را تکرار کنند تا به هدف خود برسند و آن را جذب کنند! پیوستگی روانی به این علت که تداوم دارد و همین تداوم باعث شدت یافتن آن میشود، به سرعت به حرص و طمع تبدیل می‌شود. مثل توپی که از بالای کوه برفی رها شود. این توپ هر چه سرعتش بیشتر شود، برف بیشتری دور خود جمع میکند و سنگین تر میشود و قطعا خطرناکتر هم میشود. نماز از بوجود آمدن چنین حالاتی جلوگیری میکند.

نماز به عنوان شکننده پیوستگی‌های روانی، نقش اساسی در زندگی ما خواهد داشت. حرص و ولع و طمع ناشی از پیوستگی و اتصال دائم ذهن به دنیا است. نماز دقیقا برای ایجاد گسست و انقطاع در این پیوستگی طراحی شده است. در نماز، انسان از همه مشغولیات دنیوی (شغل، خانواده، نگرانی‌ها، خواسته‌ها ، امیال ، آرزوها و ...) قطع ارتباط می‌کند. او برای چند دقیقه، به طور فیزیکی و ذهنی و روانی، خود را از آن جریان مداوم و پیوسته جدا می‌کند و یک (نه) بزرگ به این جذبیات می گوید. انسان باید بوسیله نماز با ترکیب مشخصی از

قیام، رکوع، سجود، تشهد و با اذکار مختلف، الگوهای تکراری و یکنواخت و معتاد کننده دنیوی را بشکنند. ذهن و روان ما مجبور می‌شود از آن مسیر تکراری و همیشگی خارج شود و به مسیر رحمانی برود. نماز حتی ما را از خوردنها و خوابهای پیوسته و طولانی نجات میدهد. خوابهای طولانی و پیوسته منشاء تنبلی هستند. خوردنهای پیوسته هم منشاء انواع پرخوری ها هستند.

نماز فقط قطع کردن نیست؛ بلکه وصل شدن به منبعی دیگر است. این منبع جدید همان خدای رب العالمین است. به همین خاطر خدای رحمان دستور می فرمایند که نماز را برای یاد و ذکر فقط خدا بجا بیاورید. وقتی ما برای نماز قیام می کنیم و خدا را یاد می کنیم و او را شکر و ستایش می کنیم؛ خودبخود خواسته‌های دنیوی ما در جایگاه واقعی خود قرار می‌گیرند و تعدیل و اصلاح میشوند. دیگر این پیوستگی ها هدف نهایی و مطلق نیستند، بلکه در رده های بعدی قرار می گیرند. وقتی خدا را اصل قرار دهیم، بقیه آیتمها اتوماتیک سر جای خود قرار می گیرند.

ما در نماز با تکرار عبارت مالک یوم الدین، به یاد روزی می‌افتیم که همه این تعلقات دنیوی و پیوستگی های دنیوی بی‌ارزش میشوند. این یادآوری، طمع و ولع و تنبلی و حرص و سایر صفات زشت و نکوهیده را در ما از بین می برد و این صفات زشت را از چشم ما می اندازد.

نماز براساس وقت بنا نهاده شده است (إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا)**. وقتی آدمی در خیالات فرو می رود و اوهام و منیات و پیوستگی روانی و ذهنی او را می گیرد، یعنی به گذشته و یا آینده رفته است. آرزوی داشتن زینت آلات دنیایی، ترس از نداشتنها در آینده و افسوس برای گذشته و ... همگی اینها توسط نماز باطل میشوند. زیرا نماز یک قیام است و قیام مربوط به حال است. پس قیام ما را از گذشته و آینده به حال می آورد. به این طریق نماز زندگی دنیوی ما را به یک زندگی در حال تبدیل میکند و ذهن و روان ما را از درگیریهای بی فایده نجات میدهد. افسوس برای گذشته و ترس از آینده، دو پیوستگی ذهنی تمام نشدنی هستند و بی فایده هم هستند و فقط صفات مخرب را به روان ما وارد میکنند.**

آیه 4:103

فَإِذَا قَضَيْتُمُ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا ٱطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ ۚ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ كَانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتَٰبًا مَّوْقُوتًا

پس چون نماز را به پایان رساندید، الله را ایستاده، و نشسته و بر پهلوی خویش (خوابیده) یاد کنید، و هرگاه آرامش یافتید (و خوف زایل شد) نماز

را (تمام و کامل) بر پا دارید، که همانا نماز (فریضه‌ای است که) در اوقات معینی بر مؤمنان واجب (و نوشته) شده‌است.

آدمی در نماز باید حواسش به آنچه می‌گوید و حرکاتی که انجام می‌دهد باشد. اضطرابها و استرسها در مورد آینده و افسوسها در مورد گذشته، که ریشه طمع و افسوس هستند؛ فقط یک درمان دارد و آن هم نماز است که مبتنی بر وقت است و اینها را می پراند. انسان برای آرامش، نیاز به انقطاع و گسست دارد تا از بند تعلقات کاری و امور دنیوی آزاد شود. نماز به ما می‌آموزد که هر چند ساعت یک بار، از آن مسیر پیوسته و مستقیمی که او را به سمت طمع و ولع و حرص و جوش و تنبلی می‌کشاند، خارج شود، به سجده بیفتد، و به خود یادآوری کند که هدف نهایی، اینهایی نیست که در آن غرق شده است.